: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2022.77624.1169
مقالهٔ پژوهشی- مطالعهٔ موردی

رابطهٔ تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان
(مطالعهٔ موردی: دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)[1]

رعنا شیخ بیگلو (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، نویسندهٔ مسئول)
r_shaykh@shirazu.ac.ir
ابراهیم رستگار (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)
e.rastegar@shirazu.ac.ir
آرزو سپهر روشن (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی،گروه جغرافیا، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)
arzwsphrrwshn@gmail.com

صص ۱۹۶ ـ ۱٦٥

چکیده

بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی کشور با مسائل متعددی ازجمله سطح پایین اشتغال و درآمد، اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی، نارسایی امکانات و خدمات و... مواجه هستند. در چنین شرایطی، رفتارهای مشارکتی روستاییان در امور مختلف جامعه محلی می‌تواند نقش مثبت و مهمی در ارتقای کیفیت زندگی و بهبود محیط محلی داشته باشد؛ ازاین‌رو شناسایی عوامل مرتبط با انجام رفتارهای مشارکتی اهمیت فراوان دارد. نظر به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان در دهستان مشایخ پرداخته است. جامعه آماری این تحقیق به لحاظ مکانی، نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت واقع در دهستان مشایخ شهرستان ممسنی و واحد تحلیل، افراد ۱۸ ساله و بیشتر

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه خانم آرزو سپهر روشن دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش مدیریت توسعه پایدار روستایی به راهنمایی خانم دکتر رعنا شیخ‌بیگلو در دانشگاه شیراز است.

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰٤/۱۸ تاریخ تصویب: ۱٤۰۱/۰۸/۳۰

ساکن در سکونتگاه‌های مذکور بود. فرایند نمونه‌گیری با استفاده از روش احتمالی طبقه‌بندی‌شده صورت گرفت و برای ۳۸۰ نفر پرسشنامه تکمیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری مختلف و نرم‌افزار SPSS استفاده شد. براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، میانگین رفتارهای مشارکتی و تعلق مکانی به‌طور معناداری از حد متوسط بیشتر بود. براساس یافته‌ها، بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($r = ۰/٤۲٤$ ،$p < ۰/۰۰۱$). همچنین بین تعلق مکانی و هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد، بین روستاهای موردمطالعه از نظر میانگین رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری وجود داشت. درمورد تعلق مکانی نیز نتایج مشابهی حاصل شد. تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی می‌توانند به‌عنوان دو عامل قدرتمند در توسعه روستایی نقش ایفا کنند و رابطه مثبت میان آن‌ها نشان می‌دهد که این دو عامل می‌توانند هم‌افزایی مطلوب و ارزشمندی به نفع سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تعلق مکانی، توسعه روستایی، رفتار مشارکتی، اجتماع محلی.

۱. مقدمه

با وجود اینکه در چند دهه اخیر، سکونتگاه‌های روستایی شاهد مهاجرت‌های گسترده‌ی روستاییان به نقاط شهری بوده‌اند، همچنان محل زندگی و فعالیت بخش درخور توجهی از جمعیت کشور هستند؛ به‌طوری‌که براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵، روستانشینان حدود ٢٦ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸). در شرایطی که بسیاری از جوامع روستایی با مشکلات و چالش‌های مهمی همچون انزوای جغرافیایی، نرخ زیاد فقر و محدود بودن فرصت‌های شغلی مواجه هستند، مشارکت اجتماعی و مدنی روستانشینان یک استراتژی امیدوارکننده برای بهبود محیط-های روستایی و کاهش نابرابری‌هاست (سِگین[1] و همکاران، ۲۰۱۸). مشارکت را می‌توان پذیرش مسئولیت بیشتر برای کمک به توسعه دانست. مشارکت، ابزار تغییر است و می‌تواند

1. Seguin

در توسعه جامعه محلی و رفع محرومیت‌ها بسیار مؤثر باشد (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰). در مفهوم کلی، مشارکت مدنی مجموعه‌ای از تلاش‌ها و فعالیت‌های فردی در جهت ارتقای کیفیت زندگی در جامعه از طریق شرکت در فرایندهای سیاسی و غیرسیاسی تعریف می‌شود. مشارکت مدنی، طیف وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد: شرکت در تظاهرات جمعی تا رفتارهای فردگرایانه، اقدامات داوطلبانه محلی تا اقداماتی در سطح جهانی و فعالیت‌هایی با ماهیت سیاسی و غیرسیاسی؛ البته فعالیت‌ها و اقدامات تنها یک بُعد از مشارکت مدنی محسوب می‌شوند. مفهوم مشارکت مدنی فراتر از این موارد است؛ به‌طوری‌که ادراکات، احساسات و نگرش‌ها را نیز در بر می‌گیرد؛ مواردی مانند فرهنگ مدنی و ارزش‌های مدنی مرتبط با شهروندی و زندگی در یک جامعه (إسکولمن[1]، ۲۰۲۰). مشارکت یکی از سیاست-های محوریِ در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی است. به‌دلیل اهمیت و نقش مؤثری که مشارکت می‌تواند در تسهیل و تسریع توسعه روستایی داشته باشد، امروزه در رهیافت‌های جدید توسعه روستایی، الگوها و فنون توسعه مشارکتی به‌طور ویژه مدنظر قرار گرفته است (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰).

رشد و توسعه روستایی رابطه تنگاتنگی با مشارکت روستاییان دارد؛ زیرا مشارکت افراد کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی را افزایش می‌دهد و درمقابل، ضعف مشارکت در اجتماعات روستایی فرایند توسعه را کُند کرده و با مشکل مواجه می‌کند (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱)؛ به همین دلیل است که مشارکت یکی از عناصر کلیدی در دستیابی به اهداف توسعه و عمران روستایی محسوب می‌شود. هرچه توده مردم جامعه مشارکت بیشتری در امور جامعه خود داشته باشند، احتمال تحقق این اهداف افزایش می‌یابد و آثار آن به‌ویژه در ارتقای کیفیت زندگی اقشار محروم جامعه ملموس است (کوهی، ۱۳۸۲). در کشور ایران، مفهوم مشارکت همواره با زندگی و فعالیت روستاییان عجین بوده است و نمود آن را می‌توان در شکل‌گیری تشکل‌های مختلف جامعه روستایی با هدف اداره بهتر امور اقتصادی، خدماتی، اجتماعی و فرهنگی مشاهده کرد. مشارکت افراد در برگزاری مراسم آیینی، جشن‌ها، عزاداری‌ها، ساخت،

1. Schoolman

تعمیر و نگهداری مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها و... متداول‌ترین نمونه‌های مشارکت مدنی و اجتماعی روستاییان هستند که از گذشته‌های دور تا به حال در روستاهای کشور مرسوم بوده است (پاپلی یزدی، رستمی و مهدوی، ۱۳۹٤، ص. ٤۸). به‌طورکلی، مردم زمانی در اجتماعات خود مشارکت می‌کنند که انگیزه انجام این کار را داشته باشند (شُرتال[1]، ۲۰۰۸)؛ ازاین‌رو شناخت عوامل اثرگذار بر افزایش یا کاهش انگیزه و تمایل روستانشینان به مشارکت در امور مختلف اجتماعات روستایی اهمیت درخور ملاحظه‌ای دارد (حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰).

تعلق مکانی یا احساس دلبستگی به مکان ازجمله عواملی است که به نظر می‌رسد در ایجاد انگیزه برای تلاش در جهت احیا و ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی و محلی مؤثر باشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). تعلق مکانی به پیوندها و روابطی اشاره دارد که افراد با مکان‌ها ایجاد می‌کنند (ونگ، وو، مک‌الروی و چن[2]، ۲۰۱۸)؛ روابطی که در نتیجه مجموعه‌ای از تجارب افراد در ارتباط با ویژگی‌ها و جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی مکان شکل می‌گیرد (ووسنام[3] و همکاران، ۲۰۱۸). در تعریف کلی می‌توان گفت، تعلق مکانی پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده است که جنبه‌های مختلف رابطهٔ انسان و مکان را در بر دارد؛ ازجمله رفتار، احساس و شناخت که جنبه‌های اساسی این مفهوم هستند (چو و هیلی[4]، ۲۰۰۸، ص. ۳٦٤). تعلق مکانی می‌تواند در مکان‌هایی با اندازه و عملکرد متفاوت ایجاد شود؛ ازجمله خانه، محله، شهر، محیط‌های تفریحی، اجتماعات، مکان‌های روستایی و... . به لحاظ جغرافیایی یک شخص می‌تواند به مکان‌های محدود یا گسترده با ویژگی‌هایی بسیار متفاوت احساس تعلق و وابستگی داشته باشد (هرناندز، هیدالگو و سالازار-لاپلاس[5]، ۲۰۰۷، ص. ۳۱۰). به‌طورکلی، اجتماعات محلیِ تشکیل‌شده از افرادی که تعلق مکانی قوی دارند، زمینه مساعدی برای ایجاد دموکراسی مشارکتی دارند و میزان توفیق برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی در آن‌ها بیشتر است (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰)؛ به عبارتی، انتظار می‌رود ارتباط مثبتی بین تعلق مکانی

1. Shortall
2. Weng, Wu, McElroy & Chen
3. Woosnam
4. Chow & Healey
5. Hernández, Hidalgo & Salazar-Laplace

و تمایل برای مشارکت مدنی در جامعه وجود داشته باشد (استفنیاک، بیلویچ و لویکا[1]، ۲۰۱۷). با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر به بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان در دهستان مشایخ (شهرستان ممسنی) پرداخته است. جمعیت این دهستان در سال ۱۳۹۵ براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، ۴۷۸۴ نفر بوده که در مقایسه با سال ۱۳۸۵، ۴۶۸ نفر از جمعیت آن کاسته شده است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

مرور مطالعات پیشین نشان داد، رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان کمتر مدنظر محققان قرار گرفته است. درواقع، در بیشتر تحقیقات، یکی از متغیرهای مذکور به‌صورت جداگانه یا در ارتباط با عوامل دیگری بررسی شده است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

ازکیا و غفاری (۱۳۸۰) در پژوهشی ضمن تشریح خاستگاه نظری مفاهیم انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی، به بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان پرداختند. آن‌ها بین متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت معناداری یافتند. کوهی (۱۳۸۲) به بررسی میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستاییان در طرح‌های عمرانی و مطالعه برخی از عوامل مؤثر بر آن در روستاهای شهرستان ورزقان پرداخت. براساس یافته‌های این پژوهش، میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی در سطح متوسط قرار دارد و برخی از عوامل مؤثر در این زمینه عبارت‌اند از: نگرش‌های اجتماعی، انسجام اجتماعی، رضایت اجتماعی، آگاهی‌های اجتماعی، وضعیت تولید خانوار، نوع شغل، بُعد خانوار، سطح سواد، تشکل‌های مردمی. قاسمی (۱۳۸۴) با استفاده از روش‌های تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر به بررسی تأثیر چهارده متغیر بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی پرداخت. نتایج این مطالعه بیانگر آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای رضایتمندی، انسجام اجتماعی، انگیزه پیشرفت، عضویت در نهادهای عمومی روستا، مالکیت باغ‌ها و زمین کشاورزی، درآمد، ثروت، استفاده

1. Stefaniak, Bilewicz & Lewicka

از رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان وابستگی سرپرستان خانوارهای روستایی به دولت، بر میزان مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی است. شایان ذکر است، در بین عوامل مذکور، انسجام اجتماعی اثر بیشتری داشت. باقری بنجار و رحیمی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شهروندان مناطق ۱۲ و ۳ شهر تهران با میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که احساس تعلق اجتماعی با مشارکت اجتماعی، مشارکت فرهنگی و مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبت دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد، شهروندان در ابعاد فرهنگی و سیاسی در مقایسه با بُعد اجتماعی مشارکت فعالانه‌تری دارند. همچنین نوع شغل افراد بر مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها تأثیرگذار است.

احمدی و مهدوی (۱۳۹۳) رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی را در روستاهای شهرستان زرندیه بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که از میان مؤلفه‌های کیفیت زندگی، شاخص‌های اقتصادی و مدت سکونت در روستا بیشترین تأثیر را بر حس تعلق مکانی ساکنان داشتند. همچنین اثر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی بر تعلق مکانی تفاوت معنادار با یکدیگر داشتند. لطفی کزج (۱۳۹۵) به بررسی میزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام‌شده در شهر در محدوده گلمغان اردبیل پرداخت. او به این نتیجه دست یافت که میزان حس تعلق مکانی در روستاهای موردمطالعه کمتر از حد متوسط است و بین متغیرهای مدت‌زمان سکونت، احساس امنیت ساکنان در محل، رضایت از دسترسی به خدمات شهری، میزان فعالیت‌های اجتماعی و جمعی، کیفیت زیست‌محیطی محله و کیفیت مسکونی با حس تعلق مکانی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه مدت‌زمان سکونت، میزان خدمات شهری، امنیت محله، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی ساکنان محله، کیفیت زیست‌محیطی محله و کیفیت مسکن ساکنان بیشتر باشد، حس تعلق مکانی ساکنان روستاهای موردمطالعه بیشتر است. رحمانی و رحمانی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با ارزیابی عوامل ساختاری-نهادی مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی در روستاهای واقع در حریم کلان‌شهر همدان، به این نتایج دست یافتند که عوامل ساختاری-

نهادی بر مشارکت در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی اثر معنادار مثبت و قوی دارند و در بین عوامل ساختاری-نهادی، متغیر تشکل‌های مردم‌نهاد نقش برجسته‌تری دارد.

شریف‌زاده، عبدالله‌زاده، اژدرپور و شریفی (۱۳۹٦) جایگاه سرمایه اجتماعی را در ارتقای تعلق مکانی ساکنان مناطق روستایی شهرستان زابل بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی رابطه معنادار وجود دارد. ذوالفقاری (۱۳۹۹) به بررسی اثر حس تعلق مکانی بر ماندگاری جمعیت در نواحی روستایی منطقه نهبندان پرداخت. یافته‌ها نشان داد، بین حس تعلق مکانی ساکنان نواحی روستایی و ماندگاری آن‌ها در روستا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شریفی‌نیا (۱۳۹۹) موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی را در دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر بررسی کرد. براساس نتایج، عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی و همچنین اطلاعاتی و ارتباطی به‌عنوان موانع مهم مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی هستند. شیخ‌بیگلو و سلطانی (۱۳۹۹) تعلق مکانی را از طریق سه مؤلفه هویت مکانی، دلبستگی احساسی و وابستگی مکانی مفهوم پردازی کردند و به این نتیجه دست یافتند که تعلق مکانی بر رفتارهای حامی محیط زیست اثر مثبت و معناداری دارد. بِسر[1] (۲۰۰۹) تغییرات سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی را برای ساکنان ۹۹ شهر کوچک واقع در ایالات متحده در دوره ۱۹۹۰-۲۰۰٤ بررسی کرده و به این نتیجه دست یافت که میزان سرمایه اجتماعی طی دوره مذکور کاهش یافت، اما یکی از انواع مشارکت مدنی بهبود یافت. کاکومبا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت شهروندان دولت محلی و توسعه روستایی: تأملاتی بر سیستم تمرکززدایی اوگاندا» ضمن مرور سیستم تمرکززدایی حکومت محلی در اوگاندا، مکانیسم‌های مشارکتی آن را ارزیابی کرده تا مشخص کند که مشارکت تا چه اندازه روند توسعه روستایی را افزایش داده است. نتایجنشان داد، مشارکت و تعامل شهروندان دستاوردهای توسعه‌ای مثبت به دنبال داشته، اما هنوز به توانمندسازی و مزایای مشترک برای فقرای روستایی تبدیل نشده است؛ به‌طوری‌که حمایت اندک از نقش جامعه در توسعه محلی و مشارکت در برنامه‌ریزی وجود دارد. وی استدلال کرده است، دستیابی به توسعه روستایی در اقتصادهای عمدتاً کشاورزی مانند اوگاندا نیازمند

1. Besser

مشارکت برای ایجاد مکانیسم‌هایی است که می‌توانند تولید کشاورزی، میزان اشتغال و سطح درآمد خانوارها را افزایش دهند. جیلینگ، ورمیج و هارتسن[1] (۲۰۱۷) به مطالعه درجات مختلف تعلق مکانی ۷٦۸٤ نفر از ساکنان روستاهای کوچک و مناطق دورافتاده در هلند پرداختند و دلبستگی‌ها را در ابعاد اجتماعی، عملکردی، فرهنگی و زیست‌محیطی تبیین کردند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تنوع معنادار در روابط مردم و مکان در روستاهای هلندی بود. سونگ و سوپرامانین[2] (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «انواع تعلق مکانی و رفتارهای حامی محیط‌زیست ساکنان شهری در پکن» به این نتیجه دست یافتند که آن دسته از ساکنانی که به محل سکونت خود دلبستگی پیدا کرده‌اند، بیشتر خود را درگیر رفتارهای حامی محیط زیست می‌کنند. آن‌ها دریافتند که در میان ابعاد مختلف تعلق مکانی، پیوندهای اجتماعی اثر بیشتری بر ترغیب رفتارهای حامی محیط زیست دارد. همچنین شدت این اثر برای ساکنانِ بومی متولدشده و ساکنان بلندمدت، بیشتر است. شیخ‌بیگلو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه چندجانبه تعلق مکانی و اثرات آن بر مشارکت مدنی و وفاداری به مکان در شهر جدید بهارستان، ایران» با مطالعه نمونه‌ای متشکل از ٦۵۰ نفر از ساکنان شهر جدید بهارستان و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعلق مکانی را از طریق چهار بُعد شامل هویت مکانی، وابستگی مکانی، پیوندهای اجتماعی و دلبستگی احساسی مفهوم پردازی کرد. نتایج این تحقیق مؤید اثر مثبت و معنادار تعلق مکانی بر مشارکت مدنی و وفاداری به مکان بود.

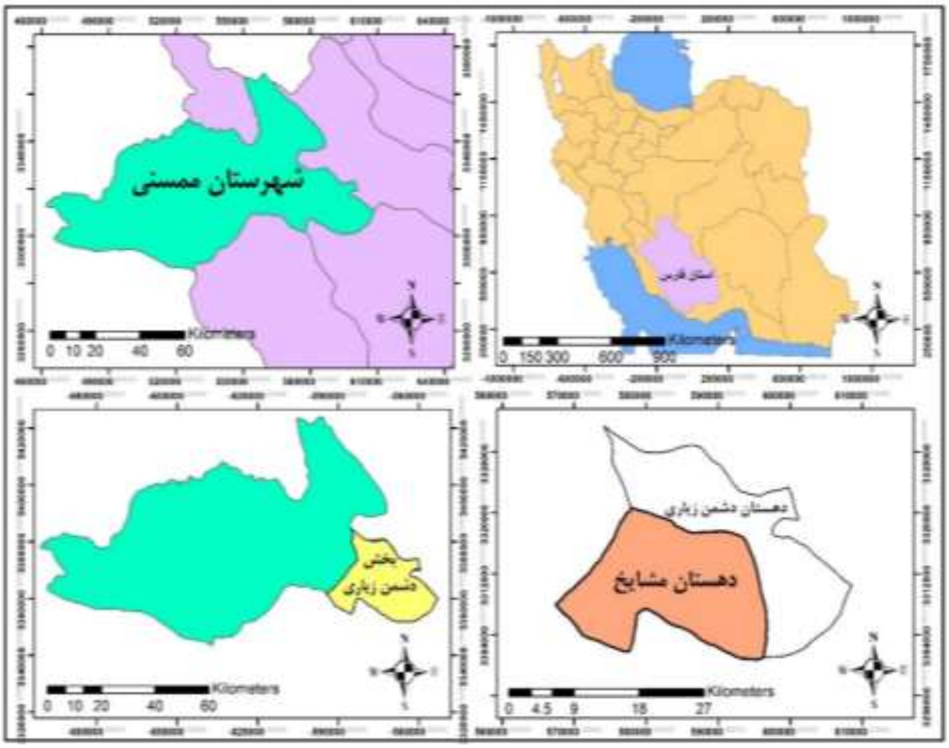
مرور مطالعات پیشین نشان داد، تاکنون رابطه میان تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان کمتر مدنظر محققان قرار گرفته است؛ با وجود این، از بررسی پژوهش‌های قبلی استنباط می‌شود که تعلق مکانی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بالقوه قوی در ایجاد انگیزه برای تعامل مثبت و مؤثر افراد با محیط‌های مختلف عمل کند. از طرف دیگر، مطالعات متعددی بر اهمیت مشارکت مدنی و اجتماعی روستاییان در ارتقای کیفیت زندگی و افزایش تحقق اهداف برنامه‌های توسعه روستایی تأکید کرده‌اند. پژوهش حاضر با بررسی رابطه تعلق مکانی و

1. Gieling, Vermeij & Haartsen
2. Song & Soopramanien

رفتارهای مشارکتی روستاییان می‌تواند به تبیین جنبه‌های دیگری از دو متغیر مذکور کمک کند.

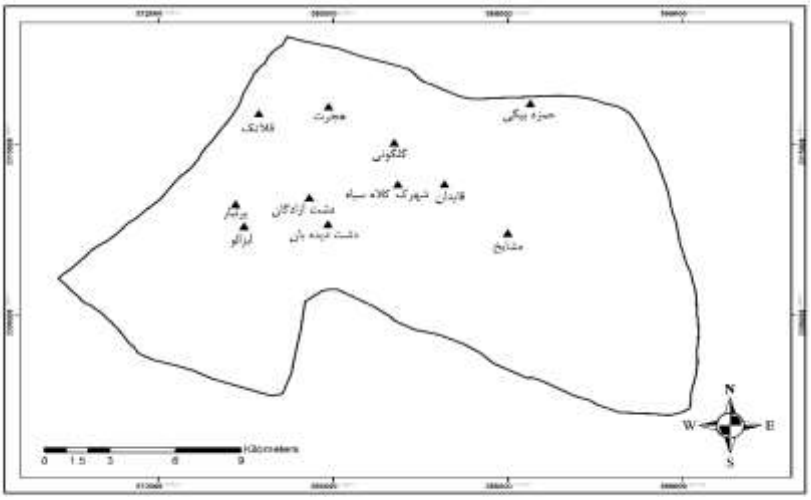
۳. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است که به بررسی ویژگی‌ها و رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان پرداخته است. همچنین رابطه بین برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت‌زمان اقامت در روستا با تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی بررسی شده است. داده‌های تحقیق با استفاده از روش‌های اسنادی (در فرایند تدوین چارچوب نظری و تنظیم مجموعه متغیرها) و میدانی (تکمیل پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق به لحاظ مکانی، نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت واقع در دهستان مشایخ شهرستان ممسنی و واحد تحلیل، افراد هجده‌ساله و بیشتر ساکن در سکونتگاه‌های مذکور بودند. موقعیت جغرافیایی محدوده موردمطالعه در شکل ۱ نمایش داده شده است. مجموع جمعیت نقاط روستایی دارای حداقل ۱۰۰ نفر جمعیت، ٤۲۹٥ نفر است که حدود ۹۰ درصد ار جمعیت دهستان مشایخ را تشکیل می‌دهد. موقعیت مکانی روستاهای موردمطالعه در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده موردمطالعه

ترسیم: نگارندگان، ۱٤۰۱



شکل ۲. موقعیت روستاهای نمونه تحقیق

ترسیم: نگارندگان، ۱٤۰۱

فرایند نمونه‌گیری با استفاده از روش احتمالی طبقه‌بندی‌شده انجام شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با درنظرگرفتن توزیع ۵۰ درصدی صفت در جامعه، سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد محاسبه شد که برابر با ۳۵۳ نفر بود، اما به‌منظور اطمینان بیشتر برای ۳۸۰ نفر پرسشنامه تکمیل شد. برای نمونه‌گیری، سهم درصدی جمعیت هریک از روستاهای مدنظر از کل جمعیت جامعه آماری محاسبه شد و سهم هر روستا در نمونه نیز به همان نسبت مشخص شد. نمونه‌گیری در هر روستا با استفاده از روش نمونه‌گیری احتمالی ساده انجام شد. روستاهای دارای جمعیت ۱۰۰ نفر و بیشتر واقع در محدوده موردمطالعه و سهم هر روستا در حجم نمونه، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. جمعیت روستاهای موردمطالعه و سهم هر یک از آن‌ها در حجم نمونه

مأخذ: نگارندگان، ۱٤۰۱

نام روستا	جمعیت	سهم در نمونه	نام روستا	جمعیت	سهم در نمونه
قایدان	۱۱۰ نفر	۱۰	دشت دیده‌بان	۱۷۹ نفر	۱٦
هجرت	٦۷٦ نفر	٦۰	گلگونی	۱۱٤ نفر	۱۰
مشایخ	۵۲٤ نفر	٤٦	شهرک کلاه‌سیاه	۷۷۱ نفر	٦۸
حمزه‌بیگی	۱۷۸ نفر	۱٦	قلاتک	۳۵۹ نفر	۳۲
آب‌زالو	۱۱۸ نفر	۱۰	دشت آزادگان	۱۱٤۸ نفر	۱۰۲
پربنار	۱۱۸ نفر	۱۰	—	—	—

متغیرهای مربوط به عامل رفتارهای مشارکتی از صادقلو (۱۳۹۹) و خطیبی (۱۳۹۷) اقتباس شده است. متغیرهای تعلق مکانی نیز برگرفته از رامکیسون[1] و همکاران (۲۰۱۳) و زو و ژانگ[2] (۲۰۱٦) است (جدول‌های ۲ و ۳). گویه‌های سؤالات اصلی پرسشنامه در قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم شد.

1. Ramkissoon
2. Xu & Zhang

جدول ۲. متغیرهای مربوط به رفتارهای مشارکتی روستاییان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

ابعاد	ردیف	متغیر
اجتماعی-فرهنگی	۱	شرکت در مراسم و برنامه‌های جمعی
	۲	همکاری در برگزاری برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی
	۳	تبادل نظر با مردم روستا برای حل مشکلات مختلف
	٤	همکاری در رفع اختلافات احتمالی میان مردم
	٥	انتقال دانش خود به سایر مردم روستا
فیزیکی-عمرانی	٦	مشارکت در امور عمرانی روستا (ساخت‌وساز، کانال‌کشی، راه‌سازی و...)
	۷	مشارکت در بهسازی محیط روستا (درختکاری، زدودن آلودگی‌ها و...)
	۸	مشارکت در زیباسازی محیط روستا
	۹	کوشش در جهت جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و محیط روستا
اقتصادی	۱۰	مشارکت در کارآفرینی و توسعهٔ کسب و کارهای جمعی
	۱۱	مشارکت در تأمین منابع مالی پروژه‌های توسعهٔ روستایی
	۱۲	کمک برای حل مشکلات مالی مردم روستا
	۱۳	مشارکت در امور وقف و اهدای زمین برای امور عام‌المنفعه
	۱٤	مشارکت در تشکیل یا توسعهٔ صندوق‌های قرض‌الحسنه
خدماتی	۱٥	رسیدگی به امور بهداشت و نظافت محیط روستای خود رسیدگی
	۱٦	مشارکت در تأمین نیازمندی‌های اساسی مردم مانند آب سالم، سوخت و...
	۱۷	مشارکت در پیگیری امکانات و خدمات (درمانی، آموزشی، فرهنگی و...) موردنیاز مردم
	۱۸	کمک به تسهیل امور زندگی و فعالیت روستاییان (خدمات حمل‌ونقل، به اشتراک گذاشتن ماشین‌آلات کشاورزی و...)
سیاسی	۱۹	عضویت در نهادها، شوراها یا انجمن‌های مختلف روستا
	۲۰	شرکت در انتخابات (شورای روستا، ریاست جمهوری و...)
	۲۱	مشارکت در برگزاری انتخابات و برنامه‌های مشابه
	۲۲	همکاری با نهادهای مدیریت محلی در روستای خود (دهیاری، شورای روستا و...)

جدول ۳. گویه‌های مربوط به تعلق مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

ابعاد	ردیف	گویه‌ها
وابستگی مکانی	۱	برای زندگی کردن فکر نمی‌کنم جایی بهتر از این روستا وجود داشته باشد.
	۲	برای فعالیت‌ها و کارهایی که من دوست دارم انجام دهم، این روستا بهترین مکان است.
	۳	من از زندگی کردن در این روستا بیش از هر جای دیگری لذت می‌برم.

ابعاد	ردیف	گویه‌ها
	٤	این روستا نیازهای من را بیش از هر جای دیگری برآورده می‌کند.
	٥	برای من هیچ مکان دیگری نمی‌تواند جایگزین این روستا شود.
هویت مکانی	٦	احساس می‌کنم این روستا بخشی از وجود من است.
	٧	زندگی کردن در این روستا به من هویت می‌بخشد.
	٨	زندگی کردن در این روستا به زندگی من معنی خاصی می‌دهد.
	٩	دوست دارم با این روستا شناخته شوم.
	١٠	دوست دارم همه بدانند که من اهل این روستا هستم.
دلبستگی احساسی	١١	من به این روستا احساس تعلق خاطر شدیدی دارم.
	١٢	من این روستا را خیلی دوست دارم.
	١٣	این روستا برای من بسیار با معناست.
	١٤	من از زندگی کردن در این روستا، احساس بسیار خوبی دارم.
	١٥	هرگاه برای مدتی این روستا را ترک می‌کنم، دلم برای اینجا تنگ می‌شود.
پیوندهای اجتماعی	١٦	من به مردم این روستا حس خوب و مثبتی دارم.
	١٧	در محلهٔ ما رابطهٔ همسایه‌ها با یکدیگر، نزدیک و صمیمی است.
	١٨	اگر به مشکلی برخورد کنم، می‌توانم روی کمک مردم روستا حساب کنم.
	١٩	من در این روستا دوستان بسیار خوبی دارم.
	٢٠	من مردم این روستا را دوست دارم.

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی عبارت است از: مشارکت اجتماعی–فرهنگی ۰/۸۹۲، مشارکت فیزیکی–عمرانی ۰/۸۹۳، مشارکت اقتصادی ۰/۹۰٤، مشارکت خدماتی ۰/۸٤۸ و مشارکت سیاسی ۰/۸۸۷. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای ابعاد چهارگانه تعلق مکانی نیز قابل‌قبول است: وابستگی مکانی ۰/۹۲۲، هویت مکانی ۰/۹۲۵، دلبستگی احساسی ۰/۹۲٤ و پیوندهای اجتماعی ۰/۹۲۸. برای بررسی وضعیت نرمال بودن توزیع داده‌ها، شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرهای موردمطالعه محاسبه شد که تقریباً همگی در بازه (۲+ و ۲−) قرار داشتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و با توجه به نوع و ویژگی داده‌ها، آزمون‌های آماری مختلف از جمله آزمون T تک‌نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون‌های تبعی آن، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب اتا با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شد.

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ١. تعلق مکانی

تعلق مکانی[1] به پیوندهای احساسی و عاطفی بین انسان و مکان اشاره دارد. افراد به برخی مکان‌ها احساس خاصی دارند و معمولاً به مرور زمان این رابطه عاطفی قوی‌تر می‌شود. تعلق مکانی متأثر از عوامل مختلفی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود؛ عواملی مانند رضایت افراد از مکان، کیفیت ارزیابی محیط، هویت مکان، مدت‌زمان سکونت، پیوندهای اجتماعی و... (بهرام‌پور و مدیری، ١٣٩٤). تعلق مکانی پدیده‌ای چندبُعدی و پیچیده است. بسیاری از محققان در تشریح مفهوم تعلق مکانی بر سه مؤلفه تأکید کرده‌اند: احساس، شناخت و عمل؛ بر این اساس می‌توان تعلق مکانی را رابطه عاطفی، شناختی و عملکردی افراد با مکان تعریف کرد و آن را مشتمل بر سه بُعد «دلبستگی احساسی»[2]، «هویت مکانی»[3] و «وابستگی مکانی»[4] دانست. این ابعاد به‌ترتیب منعکس‌کننده اجزای عاطفی، شناختی و عملکردیِ رابطه انسان–مکان هستند (شیخ‌بیگلو و سلطانی، ١٣٩٩). برخی محققان علاوه بر سه بُعد مذکور، در مفهوم‌پردازی تعلق مکانی به بُعد دیگری با عنوان «پیوندهای اجتماعی»[5] اشاره کرده‌اند؛ به‌عبارتی برای مفهوم تعلق مکانی، یک ساختار چهاربُعدی شامل هویت مکانی، وابستگی مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند. هویت مکانی، تعریفی است که هر شخصی از خود در ارتباط با مکان دارد. این تعریف مبتنی بر سیستمی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهایی خاص درباره جهان فیزیکی است (ووسنام و همکاران، ٢٠١٨). این مؤلفه از تعلق مکانی، درواقع نوعی معنای نمادین است که به مکان نسبت داده می‌شود و در نتیجهٔ آن، مکان به‌مثابه بخشی از هویت افراد عمل می‌کند (شیخ‌بیگلو و سلطانی، ١٣٩٩). وابستگی مکانی به چگونگی و قابلیت یک مکان در حمایت از اهداف و تأمین نیازهای افراد اشاره دارد؛ ازاین‌رو می‌توان آن را وابستگی عملکردی به مکان تلقی کرد (ووسنام و همکاران، ٢٠١٨). استُکُلز و شومیکر[6]

1. Place attachment
2. Affective attachment
3. Place identity
4. Place dependence
5. Social bondings
6. Stokols & Schumaker

(۱۹۸۱) وابستگی مکانی را از طریق دو عنصر تعریف کرده‌اند: ویژگی‌های یک مکان خاص و کیفیت نسبی مکان‌های جایگزین مشابه. افراد و گروه‌ها مکان‌ها را از نظر عملکردی ارزیابی می‌کنند؛ به این مفهوم که مکان‌ها تا چه اندازه انجام فعالیت‌های مشخصی را امکان‌پذیر می‌کنند. دلبستگی احساسی یکی دیگر از ابعاد تعلق مکانی است که به‌طور ویژه به عواطف و احساسات فرد نسبت به یک مکان خاص مربوط می‌شود. پیوند احساسی انسان–مکان ممکن است به‌صورت مثبت یا منفی باشد؛ با وجود این، در اغلب مباحث تعلق مکانی، بر جنبه‌های مثبت احساسات افراد به مکان‌ها تأکید می‌شود (شیخ‌بیگلو و سلطانی، ۱۳۹۹). پیوندهای اجتماعی به‌عنوان مؤلفه چهارم تعلق مکانی، به روابط اجتماعی افراد با سایر مردم ازجمله دوستان، خویشاوندان، همسایگان و... اشاره دارد. برخی محققان درباره لزوم شمول این عامل در ساختار تعلق مکانی، استدلال کرده‌اند که مکان‌ها ظروفی برای شکل‌گیری ارتباطات بین‌فردی و اجتماعی هستند و بنابراین، مردم هم جزئی از مکان به شمار می‌روند (زنگنه، حسین‌آبادی، روشن‌دل و نبی‌پور، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر نیز تعلق مکانی براساس ساختار چهاربخشی مذکور مفهوم‌پردازی شده است.

٤. ۲. مشارکت و توسعه روستایی

در تعریف کلی «مشارکت» عبارت است از همکاری افراد به‌طور ارادی و آگاهانه و با میل و رضایت خود و بدون احساس هیچ‌گونه اجبار در فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت یا ارزشیابی یک فعالیت، برنامه یا پروژه (کوهی، ۱۳۸۲). مشارکت، تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسؤولانه است و از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود (ارجمندنیا، ۱۳۸۰، ص. ۳۰). مشارکت افراد در امور اجتماع با عنوان «مشارکت مدنی» نیز بیان می‌شود. اصطلاح مشارکت مدنی به فعالیت‌های داوطلبانه انفرادی یا گروهی در جهت کمک به دیگران، دستیابی به منفعتی عمومی یا حل مشکلی از مشکلات جامعه گفته می‌شود (بارِت و برانتُن–اسمیت، ۲۰۱٤)؛ به‌عبارتی، مشارکت مدنی توصیف می‌کند که چگونه یک شهروند فعال در زندگی جامعه نقش دارد و به ساختن آینده آن کمک می‌کند. شایان ذکر است، مشارکت مدنی شامل

تغییرات اجتماعی نیز می‌شود (آدلر و گوگین[1]، ۲۰۰۵). روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که مشارکت به خوداعتمادی، ابتکار، فعالیت، مسئولیت‌پذیری و تعاون اجتماعی دلالت دارد. در زمینه مشارکت افراد به‌عنوان کنش اجتماعی، توجه به دو جنبه اهمیت دارد: ۱. چه انگیزه‌هایی فرد را به انجام یک کنش مشارکتی ترغیب می‌کند و ۲. فرد چقدر درباره عمل مشارکت‌شده آگاهی دارد (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰). مشارکت جوامع محلی درجات مختلفی دارد که از اطلاع‌رسانی تا توانمندسازی جوامع، متغیر است. درجات مختلف مشارکت عبارت‌اند از: ۱. اطلاع‌رسانی، ۲- مشورت در امور، ۳. دخالت در برنامه‌ریزی، ٤. دخالت در تصمیم‌گیری و ۵. توانمندسازی جوامع بومی و محلی. اطلاع‌رسانی، ضعیف‌ترین و توانمندسازی جوامع بومی و محلی، قوی‌ترین درجه مشارکت محسوب می‌شوند (استعلاجی و فلاح‌تبار، ۱۳۹۰).

با وجود پیامدهای مثبت درخور توجه مشارکت برای توسعه جوامع محلی، تجربه اجرای برنامه‌های مختلف توسعه در کشورهای درحال‌توسعه در چند دهه گذشته نشان می‌دهد، به‌دلیل بی‌توجهی به نقش مشارکت واقعی همه مردم، این برنامه‌ها نتوانسته‌اند به اهداف موردانتظار دست یابند (سفیری و تمیز، ۱۳۹۰)؛ ازاین‌رو موضوع مشارکت افراد در امور جوامع محلی بیش از پیش مدنظر محققان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است، اما با وجود پیشرفت‌های درخور توجه در شیوه‌های مشارکت جوامع محلی در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی، بسیاری از روش‌ها کارایی لازم را برای اجتماعات محلی ندارند که معمولاً سطح سواد پایینی دارند. حتی در کشورهای توسعه‌یافته روش‌های مشارکت همگانی غالباً معطوف به اقشار مرفه یا تحصیل‌کرده است؛ این در حالی است که توده مردم محلی نیاز دارند احساس کنند که نقش واقعی در توسعه جوامع خود دارند و تنها در این صورت است که افراد انگیزه مناسبی برای مشارکت پیدا خواهند کرد (لقایی، بهمن‌پور و زعیم‌پور، ۱۳۸٦).

در ادبیات توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار روستایی، مفهوم مشارکت نقش محوری یافته است (حسن‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۸۰). هم‌زمان با تکامل و اصلاح نگرش‌ها به مفهوم توسعه، مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه اهمیت بیشتری یافته است. تأکید بر اصل مشارکت در برنامه‌ریزی از آن حیث است که توسعه بیش از هر عاملی بر انگیزش، یادگیری و بهبود مستمر

1. Adler & Goggin

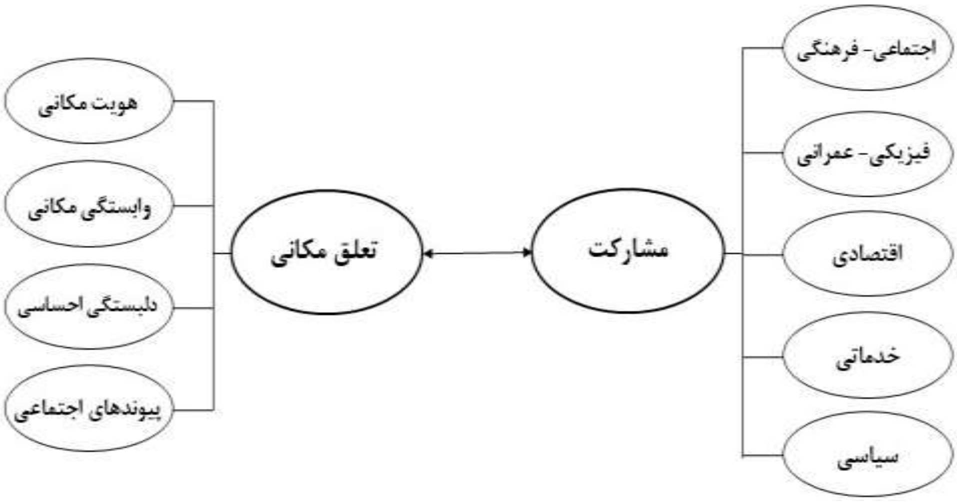
توانایی‌های درونی افراد و جوامع متکی است؛ بر همین اساس، برنامه‌ریزی توسعه به‌طور جدی به دموکراسی در اهداف و روش‌ها وابسته است. هرچقدر مشارکت مردم عادی و گروه-های ذی‌نفع در تهیه و اجرای برنامه‌ها افزایش یابد، ضمانت اجرایی و میزان تحقق اهداف برنامه‌ها بیشتر خواهد شد؛ به همین دلیل، نظام برنامه‌ریزی‌های توسعه جوامع باید به‌گونه‌ای باشد که حجم گسترده‌ای از مشارکت را در همهٔ سطوح داشته باشد (علی‌بیگی و خانی، ۱۳۹٤، ص. ۲۹). در حال حاضر، رویکرد مشارکتی یکی از راهبردهای مؤکد و توافق‌شده از سوی برنامه‌ریزان توسعه، به‌ویژه برای جوامع محلی است. در این رویکرد، آحاد جامعه در فرایند توسعه دخالت داده می‌شوند (کوهی، ۱۳۸۲).

نظام روابط اجتماعی و اداره امور اقتصادی در سکونتگاه‌های روستایی به‌گونه‌ای است که مشارکت روستانشینان یکی از ویژگی‌های دیرینه این اجتماعات محلی محسوب می‌شود (علی‌الحسابی، ۱۳۹۰). درواقع می‌توان گفت، مفهوم مشارکت مفهومی تفکیک‌ناپذیر از جوامع روستایی است؛ تاحدی‌که زندگی این جوامع بدون آن تقریباً غیرممکن است. یکی از جلوه‌های معمول مشارکت در روستاهای ایران همکاری روستانشینان در فعالیت‌های اقتصادی، امور اجتماعی و فرهنگی و بهبودبخشی به محیط روستا بوده است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۹٤، ص. ٤۷). توسعه خودجوش و درون‌زا حکم می‌کند که در تمامی مراحل توسعه، مبنای کار بر جلب و نهادینه‌سازی مشارکت مردم محلی باشد و بر توانمندسازی و ظرفیت‌سازی تأکید شود. مشارکت مردمی باعث می‌شود که مردم با برنامه‌ها و اقدامات جدید توسعه احساس بیگانگی نداشته باشند و محصول این برنامه‌ها و اقدامات را از آنِ خود بدانند؛ ازاین‌رو انگیزه خوبی برای همکاری در امور مختلف داشته باشند (مطیعی لنگرودی و سخایی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). در چارچوب موضوع برنامه‌های توسعه روستایی، انواع مشارکت عبارت‌اند از: ۱. مشارکت در تصمیم‌گیری، ۲. مشارکت در اجرا، ۳. سهیم شدن در مزایا و منافع و ٤. مشارکت در ارزیابی. سه نوع نخست مشارکت تاکنون کم و بیش در رویکردهای توسعه مدنظر قرار گرفته و محقق شده‌اند، اما به نوع چهارم یعنی مشارکت در ارزیابی کمتر توجه شده است (کوهن و آپهوف، ۱۳۸۳، ص. ۱۷).

نحوه مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را می‌توان در هفت سطح طبقه‌بندی کرد: ۱. مشارکت خودانگیخته: در این نوع مشارکت، مردم خود مبتکر پروژه هستند و برای تأمین منابع و کمک‌های فنی لازم با نهادهای ذی‌ربط ارتباط برقرار می‌کنند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی، اجرای کامل این پروژه‌ها امکان‌پذیر است؛ ۲. مشارکت تعاملی: وضعیتی است که مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است و جامعه محلی ارتباطی نزدیک با عاملان اجرای پروژه دارند؛ به این ترتیب که مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و همچنین تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌کنند؛ ۳. مشارکت عملکردی: این شیوه مشارکت به وضعیتی مربوط است که تصمیمات اصلی مربوط به پروژه توسط نهاد خارجی گرفته می‌شود. نهاد خارجی برای اجرای پروژه و تحقق اهداف تعیین‌شده از مشارکت جامعه محلی به‌ویژه برای کاهش هزینه‌ها و استفاده از نیروی کار کمک طلب می‌کند؛ ٤. مشارکت به‌خاطر اندیشه‌های مادی: گاهی تنها انگیزه مشارکت مردم، دست یافتن به منفعتی مادی است؛ برای مثال، مشارکت در ازای دریافت پول یا غذا، همکاری در پروژه‌های خودیاری با هدف دریافت زمین، خدمات و...؛ ۵. اطلاع‌رسانی و مشورت: یکی دیگر از انواع مشارکت، نظرخواهی از مردم برای تعیین نیازها و اولویت‌هاست؛ البته در این فرایند، جمع-آوری نظرات و اطلاعات و انجام تحلیل‌ها توسط نهاد خارجی انجام می‌شود. مردم هیچ‌گونه قدرتی برای تصمیم‌گیری ندارند و همچنین مجریان پروژه هیچ‌گونه به تحقق اولویت‌های مردم متعهد نیستند؛ ٦. مشارکت انفعالی: در این حالت صرفاً به مردم اطلاع داده می‌شود که چه اقدامی انجام خواهد شد؛ بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته شود یا به آن‌ها برای انجام امور و تغییر اوضاع قدرت داده شود؛ ۷. مشارکت صوری: این نوع مشارکت، درواقع فقط تظاهر به مشارکت است؛ برای مثال، عضویت افراد در یک هیئت رسمی بدون اینکه هیچ‌گونه قدرتی در امور مربوط داشته باشند (رجبی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹). در میان شیوه‌های هفت‌گانه مذکور، انواع ششم و هفتم را نمی‌توان مشارکت واقعی تلقی کرد.

در تحقیق حاضر رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستانشینان بررسی شده است. در این راستا، تعلق مکانی به‌صورت سازه‌ای چهاربُعدی متشکل از مؤلفه‌های هویت مکانی، وابستگی مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی مفهوم‌پردازی شده است.

رفتارهای مشارکتی نیز مشتمل بر ابعاد پنج‌گانـه «اجتمـاعی- فرهنگـی»، «فیزیکـی- عمرانـی»، «اقتصادی»، «خدماتی» و «سیاسی» در نظر گرفته شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. مشخصات عمومی پاسخگویان

نمونه بررسی‌شده در این مطالعه، ۳۸۰ نفر متشکل از ۹۱ نفر (۲۳/۹ درصد) زن و ۲۸۹ نفر (۷٦/۱ درصد) مرد بود. این پاسخگویان در بازه سنی ۱۸ تا ۸۳ سـال قـرار داشـتند و میـانگین سنی آن‌ها حدود ٤۳ سـال بـود. ۲۱/۸ درصـد مجـرد و ۷۸/۲ درصـد متأهـل بودنـد. ترکیـب پاسخگویان از نظر سطح سواد و تحصیلات عبارت است از: ۵/۰ درصد بی‌سواد، ۱۳/٤ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱/۸ تحصیلات راهنمایی، ۱۲/۹ تحصیلات دبیرسـتان، ۲۳/۲ درصـد دیـپلم، ۱۰/۰ درصـد کـاردانی، ۱۰/۳ درصـد کارشناسـی و ۳/٤ درصـد دارای تحصـیلات کارشناسی‌ارشد یا بالاتر. محل تولد ۷۸/٤ درصد از پاسخگویان، روستای محـل زنـدگی فعلـی بود و بقیه در سـکونتگاه دیگـری متولـد شـده بودنـد. در زمـان تکمیـل پرسشـنامه، کمتـرین مدت‌زمان اقامت افراد در روستای فعلی محل سکونتشان ۳ سال، بیشترین مـدت‌زمـان اقامـت

۸۳ سال و میانگین مدت زمان اقامت تقریباً ۳۷ سال بود. متوسط بُعد خانوار در نمونه موردمطالعه ٤/۷۸ است.

۵. ۲. وضعیت رفتارهای مشارکتی روستاییان در نمونه و جامعه آماری موردمطالعه

بررسی سطح رفتارهای مشارکتی پاسخگویان در ابعاد پنج‌گانه اجتماعی-فرهنگی، فیزیکی-عمرانی، اقتصادی، خدماتی و سیاسی نشان داد، در نمونه موردمطالعه، مشارکت در بُعد اجتماعی-فرهنگی با میانگین ٤/۱۲ قوی‌تر از مشارکت در سایر ابعاد است. میانگین سطح مشارکت در سایر ابعاد به این شرح است: فیزیکی-عمرانی ٤/۰۸، خدماتی ٤/۰۲، اقتصادی ۳/۸۷ و سیاسی ۳/۷۵. مقدار میانگین کلی رفتارهای مشارکتی نیز برابر با ۳/۹۷ است. برای بررسی وضعیت سطح رفتارهای مشارکتی در جامعه آماری، آزمون T تک‌نمونه‌ای با معیار میانگین ۳ انجام شد. براساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای و در سطح اطمینان ۹۵ درصد (جدول ٤)، مقادیر میانگین همه متغیرهای رفتارهای مشارکتی و همچنین متغیر ترکیبی رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری با حد متوسط دارند؛ بر این اساس می‌توان استنباط کرد که در جامعه آماری نیز سطح رفتارهای مشارکتی روستاییان از حد متوسط بیشتر است.

جدول ٤. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای رفتارهای مشارکتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت	
					کران پایین	کران بالا
مشارکت اجتماعی-فرهنگی	۳۲/۲۵۰	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۱۲۱	۱/۰۵۳	۱/۱۸۹
مشارکت فیزیکی-عمرانی	۲٦/۸۸۲	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۰۷۹	۱/۰۰۰	۱/۱۵۸
مشارکت اقتصادی	۲۰/۸۷۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۸۷۰	۰/۷۸۸	۰/۹۵۲
مشارکت خدماتی	۲۸/۰۸۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۰۱۲	۰/۹٤٦	۱/۰۸۹
مشارکت سیاسی	۱٦/۸۹۹	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۷٤۸	۰/٦٦۱	۰/۸۳۵
رفتارهای مشارکتی	۲۸/۸۸٤	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۰/۹٦۷	۰/۹۰۱	۱/۰۳۳

۵. ۳. وضعیت تعلق مکانی روستاییان در نمونه و جامعه آماری موردمطالعه

مقادیر میانگین تعلق مکانی پاسخگویان در نمونه موردمطالعه به تفکیک هریک از ابعاد چهارگانه به این ترتیب است: وابستگی مکانی ٤/٢٠، هویت مکانی ٤/٣٨، دلبستگی احساسی ٤/٤١ و پیوندهای اجتماعی ٤/٣٦. ملاحظه می‌شود که میزان دلبستگی احساسی قوی‌تر از سایر ابعاد تعلق مکانی است. مقدار میانگین شاخص ترکیبی تعلق مکانی نیز برابر با ٤/٣٤ است. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد، در جامعه آماری نیز مقادیر میانگین هریک از ابعاد چهارگانه تعلق مکانی و همچنین متغیر ترکیبی تعلق مکانی از حد متوسط بیشتر است (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای برای تعلق مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱٤۰۱

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	٪۹۵ فاصله اطمینان تفاوت	
					کران پایین	کران بالا
وابستگی مکانی	۲۷/۸۹٦	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۲۰۲	۱/۱۱۷	۱/۲۸۷
هویت مکانی	۳۸/۵۹۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳۸۳	۱/۳۱۳	۱/٤٥٤
دلبستگی احساسی	٤۱/۱۹۹	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/٤۰۷	۱/۳٤۰	۱/٤۷٤
پیوندهای اجتماعی	۳۷/۱۹۷	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳٦۳	۱/۲۹۱	۱/٤۳٥
تعلق مکانی	۳۹/٥٦۱	۳۷۹	<۰/۰۰۱	۱/۳۳۹	۱/۲۷۲	۱/٤۰٥

۵. ٤. رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و رفتارهای مشارکتی

برای تبیین بهتر جنبه‌های مختلف رفتارهای مشارکتی، رابطه برخی از متغیرهای جمعیت-شناختی شامل سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت‌زمان اقامت در روستا با رفتارهای مشارکتی افراد بررسی شد. بدین‌منظور و برحسب مقیاس اندازه‌گیری متغیرها از ضرایب همبستگی پیرسون و اتا استفاده شد. نتایج محاسبه ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان داد، بین متغیرهای وضعیت تأهل و محل تولد با رفتارهای مشارکتی رابطه معنادار نسبتاً ضعیفی وجود دارد؛ به این ترتیب که سطح رفتارهای مشارکتی افراد متأهل (میانگین ٤/۰۱) در مقایسه با افراد مجرد (میانگین ۳/۸۳) بالاتر است. همچنین رفتارهای

مشارکتی در بین افرادی که در روستای محل سکونت فعلی متولد شده‌اند، در مقایسه با سایر افراد، قوی‌تر است. رابطه بین متغیرهای سن، جنس و مدت‌زمان اقامت در روستا با رفتارهای مشارکتی معنادار نیست. ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و رفتارهای مشارکتی عبارت است از: سن و رفتارهای مشارکتی ($p = ۰/۱٤٤$، $r = ۰/۰۷۵$)، مدت‌زمان اقامت در روستا و رفتارهای مشارکتی ($p = ۰/٤۷۷$، $r = ۰/۰۳۷$)، جنس و رفتارهای مشارکتی ($p = ۰/۰٦۹$، $\eta = ۰/۰۹۳$)، وضعیت تأهل و رفتارهای مشارکتی ($p = ۰/۰۲۷$، $\eta = ۰/۱۱٤$) و محل تولد و رفتارهای مشارکتی ($p = ۰/۰۰٤$، $\eta = ۰/۱٤۸$).

۵. ۵. رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تعلق مکانی

بین میزان تعلق مکانی افراد و متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد و مدت‌زمان اقامت در روستا رابطه معناداری مشاهده شد؛ به این ترتیب که سطح تعلق مکانی در افراد با سن بیشتر و افرادی که مدت‌زمان بیشتری در روستای محل زندگی فعلی سکونت داشته‌اند، بالاتر است. نتایج نشان داد، تعلق مکانی مردان (میانگین ٤/٤۰) در مقایسه با تعلق مکانی زنان (میانگین ٤/۱۵) قوی‌تری است. افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد، تعلق مکانی قوی‌تری را ابراز کردند (میانگین افراد متأهل ٤/۳۸ و میانگین افراد مجرد ٤/۱۷). براساس یافته‌ها، سطح تعلق مکانی افرادی که در روستای محل سکونت فعلی‌شان متولد شده‌اند، در مقایسه با دیگران بالاتر است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و تعلق مکانی عبارت است از: سن و تعلق مکانی ($p < ۰/۰۰۱$، $r = ۰/۲۳۱$)، مدت‌زمان اقامت در روستا و تعلق مکانی ($p < ۰/۰۰۱$، $r = ۰/۲۵۷$)، جنس و تعلق مکانی ($p = ۰/۰۰۲$، $\eta = ۰/۱۵۹$)، وضعیت تأهل و تعلق مکانی ($p = ۰/۰۰۹$، $\eta = ۰/۱۳٤$) و محل تولد و تعلق مکانی ($p < ۰/۰۰۱$، $\eta = ۰/۲۳٦$).

۵. ٦. رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان

رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی و ابعاد مختلف آن با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. براساس یافته‌ها، بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان رابطه مثبت معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$، $r = ۰/٤۲٤$). همچنین بین تعلق

مکانی و هریک از ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی رابطه مثبت معناداری مشاهده شد (جدول ٦). در میان ابعاد رفتارهای مشارکتی، بیشترین ضریب همبستگی به اجتماعی-فرهنگی و مشارکت خدماتی مربوط است.

جدول ٦. ضرایب همبستگی تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٤٠١

متغیر	مشارکت اجتماعی-فرهنگی	مشارکت فیزیکی-عمرانی	مشارکت اقتصادی	مشارکت خدماتی	مشارکت سیاسی	رفتارهای مشارکتی (متغیر ترکیبی)
تعلق مکانی	٠/٤١٤	٠/٣٣٢	٠/٣٦٩	٠/٣٩٣	٠/٣٠٧	٠/٤٢٤
سطح معناداری	<٠/٠٠١	<٠/٠٠١	<٠/٠٠١	<٠/٠٠١	<٠/٠٠١	<٠/٠٠١

نتایج بررسی رابطه بین ابعاد چهارگانه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی نیز حاکی از همبستگی مثبت و معنادار ابعاد تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی است: وابستگی مکانی ($p < ٠/٠٠١$، $r = ٠/٣٨٨$)، هویت مکانی ($p < ٠/٠٠١$، $r = ٠/٣٩٣$)، دلبستگی احساسی ($p < ٠/٠٠١$، $r = ٠/٣٦٣$) و پیوندهای اجتماعی ($p < ٠/٠٠١$، $r = ٠/٣٨٦$).

٥. ٧. مقایسه رفتارهای مشارکتی در نقاط روستایی موردمطالعه

مقادیر میانگین متغیر ترکیبی رفتارهای مشارکتی برای هر یک از روستاهای موردمطالعه به این شرح است: دشت آزادگان ٣/٩٦، هجرت ٣/٩٧، شهرک کلاه‌سیاه ٤/٤٣، مشایخ ٣/٨٨، قایدان ٣/٦٤، دشت دیده‌بان ٣/٧٨، پربنار ٣/١٦، آب‌زالو ٣/٩٧، قلاتک ٣/٧٢، گلگونی ٣/٣١ و حمزه‌بیگی ٤/٠٢. برای بررسی معناداری تفاوت مقدار میانگین رفتارهای مشارکتی بین نقاط روستایی مذکور، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره لون[1] بزرگ‌تر از ٠/٠٥ است ($p = ٠/٠٥٢$)؛ بنابراین فرض برابری واریانس روستاهای موردمطالعه برقرار است؛ ازاین‌رو برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر بهره گرفته شد. با توجه به سطح معناداری این آزمون ($p < ٠/٠٠١$) می‌توان نتیجه گرفت که بین روستاهای موردمطالعه از نظر میانگین رفتارهای مشارکتی تفاوت معناداری

1. Levene

وجود دارد. به‌منظور تشخیص روستاهای دارای تفاوت، از آزمون تبعی توکی[1] استفاده شد (جدول ۷).

جدول ۷. وضعیت معناداری تفاوت روستاهای موردمطالعه از نظر رفتارهای مشارکتی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

	هجرت	**شهرک کلاه‌سیاه**	**مشایخ**	**قایدان**	**دشت دیده‌بان**	**پربنار**	**آب-زالو**	**قلاتک**	**گلگونی**	**حمزه‌بیگی**
دشت آزادگان	–	❊	–	–	–	❊	–	–	❊	–
هجرت		❊	–	–	–	❊	–	–	–	–
شهرک کلاه‌سیاه			❊	❊	❊	❊	–	❊	❊	–
مشایخ				–	–	❊	–	–	–	–
قایدان					–	–	–	–	–	–
دشت دیده‌بان						–	–	–	–	–
پربنار							–	–	–	❊
آب‌زالو								–	–	–
قلاتک									–	–
گلگونی										–

همان‌طورکه ملاحظه می‌شود، روستاهای شهرک کلاه‌سیاه و پربنار تفاوت بیشتری با سایر نقاط روستایی موردمطالعه دارند. شهرک کلاه‌سیاه با بیشترین مقدار میانگین رفتارهای مشارکتی، با هشت روستای دیگر تفاوت معناداری دارد. روستای پربنار نیز با کمترین مقدار میانگین، با پنج روستا تفاوت معناداری دارد.

۵. ۸ مقایسه تعلق مکانی در نقاط روستایی موردمطالعه

مقادیر میانگین متغیر ترکیبی تعلق مکانی برای هریک از روستاهای موردمطالعه به این شرح است: دشت آزادگان ۴/۴۰، هجرت ۴/۱۴، شهرک کلاه‌سیاه ۴/۵۵، مشایخ ۴/۷۶، قایدان ۳/۸۴، دشت دیده‌بان ۳/۸۸، پربنار ۳/۵۴، آب‌زالو ۴/۴۰، قلاتک ۴/۰۲، گلگونی ۴/۰۹ و حمزه-

1. Tukey

بیگی ٤/٥٩. برای بررسی معناداری تفاوت مقدار میانگین تعلق مکانی بین نقاط روستایی مذکور، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره لون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است ($p = ۰/۰۰۷$)؛ بنابراین فرض برابری واریانس روستاهای موردمطالعه تأیید نمی‌شود؛ ازاین‌رو برای بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F ولچ[1] بهره گرفته شد. با توجه به سطح معناداری این آزمون ($p < ۰/۰۰۱$) می‌توان نتیجه گرفت که بین روستاهای موردمطالعه از نظر میانگین تعلق مکانی تفاوت معناداری وجود دارد. به‌منظور تشخیص روستاهای دارای تفاوت، از آزمون تبعی تامهین[2] استفاده شد (جدول ۸).

جدول ۸. وضعیت معناداری تفاوت روستاهای موردمطالعه از نظر سطح تعلق مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱

	هجرت	**شهرک کلاه‌سیاه**	**مشایخ**	**قایدان**	**دشت دیده‌بان**	**پربنار**	**آب-زالو**	**قلاتک**	**گلگونی**	**حمزه‌بیگی**
دشت آزادگان	-	-	❊	–	–	–	–	–	–	–
هجرت		❊	❊	–	–	–	–	–	–	–
شهرک کلاه‌سیاه			–	❊	–	❊	–	❊	–	–
مشایخ				❊	❊	❊	–	❊	–	–
قایدان					–	–	–	–	–	–
دشت دیده‌بان						–	–	–	–	–
پربنار							–	–	–	❊
آب‌زالو								–	–	–
قلاتک									–	–
گلگونی										–

در میان روستاهای موردمطالعه، روستاهای مشایخ و شهرک کلاه سیاه از نظر تعلق مکانی تفاوت بیشتری با سایر نقاط روستایی دارند. دو روستای مذکور با بیشترین مقدار میانگین تعلق مکانی، به‌ترتیب با شش و پنج روستای دیگر تفاوت معناداری دارند. شایان ذکر است،

1. Welch
2. Tamhane

شهرک کلاه‌سیاه علاوه‌بر تعلق مکانی، از نظر رفتارهای مشارکتی نیز تفاوت نسبتاً زیـادی را بـا سایر روستاها نشان داده است. شناسایی عوامل مؤثر بر سطح بالای تعلـق مکـانی و رفتارهـای مشارکتی در این روستا می‌تواند در تدوین راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت سایر نقـاط روستایی در دهستان مشایخ مفید و مؤثر باشد.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه پایدار روستایی درگرو مشارکت فعالانه روستاییان در امور مختلـف جامعـه محلـی است؛ ازاین‌رو مطالعه درباره بررسی عوامل مـرتبط بـا انجـام رفتارهـای مشـارکتی و در گـام بعدی، شناسایی عوامل زمینه‌ساز رفتارهای مشارکتی از اهمیت فراوانی برخـوردار اسـت، امـا به‌طور خاص در محدوده موردمطالعه –همان‌طورکه اشاره شد– بین روستاهای موردمطالعـه از نظر سطح مشارکت روستاییان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... تفاوت وجود دارد. این تفاوت می‌تواند متأثر از عوامل مختلف باشد. مطالعه ادبیات موضـوع بـه‌ویژه تحقیقـات دهـه اخیر نشان می‌دهد، تعلق مکانی به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در زمینه روان‌شناسی محیطی به‌طور ویژه مدنظر محققان قرار گرفته است. با توجه بـه مـوارد مـذکور، پـژوهش حاضـر بـه بررسی رابطه تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان پرداخته است. براساس نتیجـه ایـن مطالعه که حاکی از رابطه مثبت و معنادار تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی روستاییان–اسـت، فرضیه اثر تعلق مکانی بر رفتارهای مشارکتی روستاییان تقویت می‌شود؛ ازاین‌رو پیشنهاد مـی-شود، محققان در مطالعات آینده به بررسی اثر علی دو متغیر مذکور بپردازند. به‌طـورکلی، هـم تعلق مکانی و هم رفتارهای مشارکتی روستاییان مـی‌تواننـد نقـش بسـزایی در توسـعه پایـدار سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند؛ ازاین‌رو بررسی ابعاد مختلـف هریـک از ایـن عوامـل و همچنین مطالعه روابط بین آن‌ها می‌تواند برای مدیریت محلی در تشخیص راهکارهای مناسب مؤثر برای توسعه پایدار روستایی سودمند باشد.

پژوهش حاضر به بررسی تعلق مکـانی و رفتارهـای مشـارکتی جمعیـت سـاکن در نقـاط روستایی دارای بیش از صد نفر جمعیت دهستان مشایخ واقع در شهرسـتان ممسـنی پرداختـه است. در این راستا، تعلق مکانی به‌صورت سازه‌ای چهاربُعدی شامل وابستگی مکانی، هویـت

مکانی، دلبستگی احساسی و پیوندهای اجتماعی مفهوم‌پردازی شد. رفتارهای مشارکتی نیز مشتمل بر پنج بُعد متشکل از مشارکت اجتماعی-فرهنگی، مشارکت فیزیکی-عمرانی، مشارکت اقتصادی، مشارکت خدماتی و مشارکت سیاسی در نظر گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد، سطح تعلق مکانی و همچنین رفتارهای مشارکتی در تمامی ابعاد آن‌ها در جمعیت محدوده موردمطالعه، بیشتر از سطح متوسط است.

در شرایطی که نرخ رشد جمعیت روستایی رو به کاهش است و بسیاری از روستاهای کشور در نتیجه مهاجرت‌های بی‌رویه خالی از سکنه شده‌اند، رفتارهای مشارکتی و تعلق مکانی قوی روستاییان می‌تواند این وضعیت را به نفع نواحی روستایی تغییر دهد یا حداقل تعدیل کند. در این مطالعه، بین دو عامل مذکور رابطه مثبت معناداری یافت شد. ضمن آنکه رابطه تعلق مکانی با یکایک ابعاد پنج‌گانه رفتارهای مشارکتی نیز مثبت و معنادار ارزیابی شد؛ به همین ترتیب، رابطه بین هریک از ابعاد چهارگانه تعلق مکانی با رفتارهای مشارکتی مثبت و معنادار است. این وضعیت حاکی از ارتباط قوی میان دو عاملی است که هر دو برای توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی حیاتی و تعیین‌کننده هستند.

همان‌طورکه اشاره شد، تاکنون تحقیقات محدودی در زمینه رابطه بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی جمعیت انجام شده‌اند و مطالعاتی از این دست به‌ویژه درمورد مناطق روستایی بسیار اندک است. یکی از این مطالعات، پژوهشی است که شیخ‌بیگلو (۲۰۲۰) در شهر جدید بهارستان انجام داد که وی نیز بین تعلق مکانی و مشارکت مدنی رابطه مثبت و معناداری را گزارش کرد. سونگ و سوپرامانین (۲۰۱۹) نیز رابطه‌ای مثبت بین تعلق مکانی و رفتارهای حامی محیط زیست ساکنان شهر پکن یافتند. تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی می‌توانند به‌عنوان دو عامل قدرتمند در توسعه روستایی نقش ایفا کنند و وجود رابطه مثبت میان آن‌ها نشان می‌دهد که این دو عامل می‌توانند هم‌افزایی مطلوب و ارزشمندی به نفع سکونتگاه‌های روستایی داشته باشند.

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش بیانگر تفاوت معنادار بین برخی از نقاط روستایی موردمطالعه از نظر سطح تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی است. ازآنجاکه هم تعلق مکانی و هم رفتارهای مشارکتی متأثر از عوامل مختلفی هستند، این تفاوت و تنوع تا حد زیادی پیش-

بینی‌شدنی است. برخی محققان نیز در مطالعات پیشین به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ برای مثال، جیلینگ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه تعلق مکانی جمعیت چشمگیری از ساکنان روستاهای کوچک و مناطق دورافتاده در هلند دریافتند که روابط مردم و مکان در روستاهای هلندی از تنوع نسبتاً درخور توجهی برخوردار است. به‌طورکلی، در شرایطی که در یک ناحیه متجانس همگن (نظیر وضعیتی که نقاط روستایی در محدوده یک دهستان واقع دارند) تفاوت معناداری در تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی ساکنان وجود داشته باشد، بررسی عوامل ایجادکننده این تفاوت و تنوع از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا با شناسایی این عوامل می‌توان راهکارهای مؤثری برای بهبود روابط انسان و محیط به کار برد. این موضوع به‌ویژه برای نقاط روستایی کشور که با مسائل و مشکلات متعددی مواجه‌اند، اهمیت مضاعف دارد؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود، در مطالعات آینده بررسی جنبه‌های مختلف تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی، عوامل مؤثر بر آن‌ها، و پیامدهای منتج از آن‌ها بیشتر مدنظر محققان قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود، رابطه علّی بین تعلق مکانی و رفتارهای مشارکتی و همچنین رابطه علّی بین ابعاد مختلف آن‌ها بررسی شود. علاوه‌بر سکونتگاه‌های روستایی، مطالعه این متغیرها و روابط بین آن‌ها در شهرها و محله‌های شهری نیز از جنبه‌های مختلف اهمیت دارد؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود، محققان مسائل شهری نیز با انجام مطالعات مختلف درباره ویژگی‌ها و روابط میان تعلق مکانی و مشارکت مدنی در سکونتگاه‌های شهری به تبیین بهتر موضوع کمک کنند.

کتابنامه

۱. احمدی، ع.، و مهدوی، م. (۱۳۹۳). رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه (مطالعه موردی: شهرستان زرندیه). *پژوهش‌های روستایی*، *۵*(٤)، ۸٤۸–۸۲۷.

۲. ارجمندنیا، ا. (۱۳۸۰). سازمان‌های غیردولتی، راهبرد مشارکت سازمان‌یافته. *مطالعات مدیریت شهری*، *۵*، ۳۲–۲۸.

۳. ازکیا، م.، و غفاری، غ. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان. *نشریه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳٦، ۲۰٦–۱۷٤.

٤. استعلاجی، ع.، و فلاح‌تبار، ن. (۱۳۹۰). کاربرد مدل مدیریت مشارکتی در برنامه‌ریزی توسعه جامعه روستایی (مطالعه موردی: بخش سلطانیه از ناحیه ابهر). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۳(۳)، ٦۹-۷۸.

٥. امیرکافی، م.، و فتحی، ش. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی بـه محلـه مسـکونی (مطالعـه موردی: شهر کرمان). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ٥(۱) ، ٤۱-٥.

٦. باقری بنجار، ع.، و رحیمی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان احساس تعلق اجتماعی شـهروندان بـا میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان (شهروندان مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران). *فصـلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۲(٥)، ۱۷۰-۱٤۳.

۷. بهرام‌پور، ع.، و مدیری، آ. (۱۳۹٤). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهـران. *نشـریه هنرهـای زیبـا*، ۲۰(۳)، ۸٥-۹٤.

۸. پاپلی یزدی، م. ح.، رستمی، ک.، و مهدوی، د. (۱۳۹٤). تحلیلی بر مشارکت‌های سنتی روستائیان و اثر آن بر نواحی روستایی ایران، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۰(۲)، ٦٤-٤۷.

۹. حسن‌پور، ح. (۱۳۹۱). وضعیت و جایگاه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن در برنامه‌ریـزی روسـتایی (مطالعه موردی: جمعیت روستایی شهرستان بوکان). *نشریه سپهر*، ۲۱(۸۱)، ۸٥-۸۰.

۱۰. ذوالفقاری، م. (۱۳۹۹). *تحلیل اثرگـذاری حـس تعلـق مکـانی در مانـدگاری جمعیـت در نـواحی روستایی (منطقه موردمطالعه نهبندان)* (پایان‌نامه منتشرنشـده کارشناسـی ارشـد). دانشـگاه شـهید بهشتی، تهران، ایران.

۱۱. رجبی، ا. (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری. *آمایش محـیط*، ۱۲، ۱۰۱-۱۱٦.

۱۲. رحمانی، ا.، و رحمانی، م. (۱۳۹٥). ارزیابی عوامل ساختاری- نهادی مؤثر بر مشـارکت روسـتاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی (نمونـه مـوردی: روسـتاهای واقـع در حـریم کلانشـهر همدان). *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، ۱۳(٥۲)، ۳۹-٥٦.

۱۳. زنگنه، ی.، حسین‌آبادی، س.، روشن‌دل، ت.، و نبی‌پور، ر. (۱۳۹۳). تأثیر تعلـق مکـانی و سـرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی (نمونه موردی محله سرده سبزوار). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ٥(۱۹)، ۱۲۸-۱۱۱.

۱٤. سفيری، خ.، و تميز، ر. (۱۳۹۰). فراتحليل مطالعات مشارکت اجتماعی. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ايران*، ۳(۳)، ۱۳٦–۱۲٥.

۱٥. شريف‌زاده، م. ش.، عبدالله‌زاده، غ.، اژدرپور، ع.، و شريفی، م. (۱۳۹٦). جايگاه سرمايه اجتماعی در ارتقاء تعلق مکانی (موردمطالعه: مناطق روستايی شهرستان زابل). *نشريه مديريت سرمايه اجتماعی*، ٤(۳)، ٤۰۳–۳۷٥.

۱٦. شريفی‌نيا، ز. (۱۳۹۹). تحليل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستايی مطالعه موردی: دهستان بيشه سر بخش مرکزی شهرستان قائم شهر. *نشريه پژوهش‌های جغرافيای انسانی*، ٥۲(۳)، ۱۱۳۱–۱۱٥۱.

۱۷. شيخ‌بيگلو، ر.، و سلطانی، ز. (۱۳۹۹). تعلق مکانی و رفتارهای حامی محيط زيست: تبيين ابعاد و اثرات (مطالعه موردی: بازديدکنندگان پارک کوهستانی صفه‌ی شهر اصفهان). *جغرافيا و برنامه‌ريزی محيطی*، ۳۱(٤)، ٤۲–۲٥.

۱۸. علی‌الحسابی، م. (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و رهبران محلی در توسعه روستايی (نمونه موردی: بندر لافت). *فصلنامه مسکن و محيط روستا*، ۳۰(۱۳٤)، ٤۸–۳٥.

۱۹. علی‌بيگی، ج.، و خانی، ف. (۱۳۹٤). بررسی رابطه مشارکت مردمی و توسعه‌يافتگی روستا (نمونه موردی شهرستان‌های سيروان و چرداول)، *فصلنامه فرهنگ ايلام*، ۱٦(٤۹ و ٤۸)، ٤٤–۲۸.

۲۰. قاسمی، م. ع. (۱۳۸٤). بررسی عوامل اجتماعی– اقتصادی مؤثر بر ميزان مشارکت روستاييان در طرح‌های عمرانی (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان). *روستا و توسعه*، ۸(٤) ، ۱۱۲–۷۹.

۲۱. کوهن، ج. م.، و آپهوف، ن. ت. (۱۳۸۳) جايگاه مشارکت در توسعه روستايی (د. حيدری، مترجم). *آموزش علوم اجتماعی*، ۸(۲) ، ۲۷–۱٦.

۲۲. کوهی، ک. (۱۳۸۲). *سنجش ميزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستائيان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی روستاهای شهرستان ورزقان*، (پايان‌نامه منتشرنشده کارشناسی‌ارشد). دانشگاه تبريز، ايران.

۲۳. لطفی کزج، ذ. (۱۳۹٥). *بررسی ميزان حس تعلق مکان در روستاهای ادغام شده در شهر (نمونه موردی: گلمغان اردبيل)* (پايان‌نامه منتشرنشده کارشناسی‌ارشد). دانشگاه محقق اردبيلی، ايران.

۲٤. لقايی، ح.، بهمن‌پور، ه.، و زعيم‌پور، م. (۱۳۸٦). تهديدها و فرصت‌های مشارکت مردمی در مديريت زيست‌محيطی مناطق تحت حفاظت در ايران. *فصلنامه جنگل و مرتع*، ۷۷، ۱٥–۸.

۲۵. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۸). *گزارش تحلیلی: روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۶. مطیعی لنگرودی، س. ح.، و سخایی، ف. (۱۳۸۸). مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۰*، ۱۲۶-۱۱۱.

27. Adler, R. P., & Goggin, J. (2005). What do we mean by "civic engagement"? *Journal of Transformative Education, 3*(3), 236-253.
28. Besser, T. L. (2009). Changes in small town social capital and civic engagement. *Journal of Rural Studies*, *25*(2), 185-193.
29. Chow, K., & Healey, M. (2008). Place attachment and place identity: First-year undergraduates making the transition from home to university. *Journal of Environmental Psychology*, *28*(4), 362-372.
30. Gieling, J., Vermeij, L., & Haartsen, T. (2017). Beyond the local-newcomer divide: Village attachment in the era of mobilities. *Journal of Rural Studies*, *55*, 237-247.
31. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of environmental Psychology, 27*(4), 310-319.
32. Kakumba, U. (2010). Local government citizen participation and rural development: reflections on Uganda's decentralization system. *International Review of Administrative Sciences*, *76*(1), 171-186.
33. Schoolman, E. D. (2020). Local food and civic engagement: do farmers who market local food feel more responsible for their communities? *Rural Sociology*, *85*(3), 806-839.
34. Seguin, R. A., Sriram, U., Connor, L. M., Silver, A. E., Niu, B., & Bartholomew, A. N. (2018). A civic engagement approach to encourage healthy eating and active living in rural towns: The HEART Club pilot project. *American Journal of Health Promotion*, *32*(7), 1591-1601.
35. Shaykh-Baygloo, R. (2020). A multifaceted study of place attachment and its influences on civic involvement and place loyalty in Baharestan new town, Iran. *Cities*, *96*, 102473.
36. Shortall, S. (2008). Are rural development programmes socially inclusive? Social inclusion, civic engagement, participation, and social capital: Exploring the differences. *Journal of Rural Studies*, *24*(4), 450-457.
37. Song, Z., & Soopramanien, D. (2019). Types of place attachment and pro-environmental behaviors of urban residents in Beijing. *Cities*, *84*, 112-120.
38. Stefaniak, A., Bilewicz, M., & Lewicka, M. (2017). The merits of teaching local history: Increased place attachment enhances civic engagement and social trust. *Journal of Environmental Psychology*, *51*, 217-225.

39. Stokols, D., & Shumaker, S. A. (1981). People in places: a transactional view of settings. In J. H. Harvey (Ed.), *Cognition, Social Behavior, and the Environment* (pp. 441-488). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
40. Weng, Q. D., Wu, S., McElroy, J. C., & Chen, L. (2018). Place attachment, intent to relocate and intent to quit: The moderating role of occupational commitment. *Journal of Vocational Behavior, 108*, 78-91.
41. Woosnam, K. M., Aleshinloye, K. D., Ribeiro, M. A., Stylidis, D., Jiang, J., & Erul, E. (2018). Social determinants of place attachment at a World Heritage Site. *Tourism Management, 67*, 139-146.